

فعالیت‌های فرهنگی شیعیان قرن اول و دوم در قلمرو سرزمین اهواز

صاحب عوده تبار*

چکیده: تشیع در طول تاریخ برای تثبیت موقعیت خویش تلاش‌ها و کوشش‌های زیادی انجام داده است که آنها را می‌توان به فعالیت‌های سیاسی، مبارزاتی یا فرهنگی، عقیدتی و یا حتی اقتصادی تقسیم کرد. اما بی‌شک یکی از مهم‌ترین علل گسترش فکر شیعی در سرزمین‌های مختلف جهان اسلام، همانا فعالیت‌های فرهنگی، اعتقادی بوده است که آن هم به طرق و شیوه‌های مختلفی صورت پذیرفته و شواهد تاریخی آن را تأیید می‌کند.

برای دسترسی و آگاهی به این فعالیت‌ها، صرف مراجعه به تاریخ کافی نمی‌باشد بلکه ابتدا تئوری‌های جامعه‌شناختی که به علل گسترش و تغییر فکری یک جامعه می‌پردازند ما را یاری کرده که به تصویری گویا و در عین حال واقعی از جامعه آن روز دست پیدا کنیم. آنگاه از اطلاعات و آگاهی‌های بی‌شماری که در کتب تاریخ موجود می‌باشد می‌توان به نتایجی قابل قبول رسید که بدون تئوری‌پردازی، دست یازیدن به آنها کار دشواری می‌باشد.

در این مقال، سرزمین اهواز که از مناطق مهم و استراتژیک جهان اسلام محسوب می‌شد و شاهد تلاش‌های زیادی از طرف شیعیان در این جهت بوده است مورد بررسی تاریخی - اجتماعی قرار گرفته و با بیان برخی علل فرهنگی انتقال فکر و تغییر اجتماع از نگاه جامعه‌شناختی، به دو فعالیت مهم فرهنگی شیعیان اهواز در قرن اول و دوم پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: شیعیان، قرن اول و دوم هجری، اهواز، فعالیت‌های فرهنگی، اسلام.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع).

مقدمه

جامعه‌شناسان از بین علل مختلفی که باعث تغییر اجتماع می‌شوند به دو عامل فرهنگی اشاره می‌کنند که یکی، ارزش‌های فرهنگی و اعتقادات دینی و دیگری کارگزاران تغییر اجتماعی (نخبگان) می‌باشد (گی‌روشه، ۱۳۸۴ش: ۱۴۷)، البته این عوامل همان‌طور که در جامعه‌شناسی معاصر (گی‌روشه، ۱۳۸۴ش: ۳۹-۴۰) انعکاس پیدا کرده همراه دیگر عوامل، به‌طور نسبی در تغییر اجتماعی مؤثر واقع می‌شوند و در واقع نظریه‌های تطورگرا^۱، نظریه‌های غالب می‌باشند.

۱- ارزش‌های فرهنگی و اعتقادات دینی

صرف‌نظر از تعریف لغوی فرهنگ، در اصطلاح برای فرهنگ، معانی زیادی را ذکر کرده‌اند^۲ اما می‌توان وجه مشترک تمامی کاربردهای اصطلاحی فرهنگ را در این معنا خلاصه کرد که فرهنگ: کیفیت بایسته یا شیوه شایسته است برای پدیده‌های حیات انسان‌ها، که مستند به نوعی تعقل و احساسات تصعید شده‌ای است که زندگی را به طرف تکامل، جهت می‌دهد و در همه شئون زندگی فردی و اجتماعی انسان تأثیر و تأثر دارد.^۳ البته این تأثیرات زمانی می‌توانند منجر به تغییر یا تحول اجتماعی شوند که تبدیل به ارزش‌های محرک‌انگیزه گردند و یا به‌صورت سیستم منسجم و هماهنگ به تمامی اقشار یک جامعه ارائه گردد.

اعتقادات دینی نیز که در فرهنگ اسلامی شالوده و محور اساسی تشکیل فرهنگ می‌باشد در کنار دیگر عوامل، توانسته است نقش خود را در تغییرات اجتماعی نشان دهد. در فرهنگ تشیع نیز عامل اصلی انتقال فکر شیعی به سرزمین‌های مختلف همین فعالیت‌های فرهنگی، دینی بوده است. به‌عنوان مثال در کلام معصومان(ع) شیعه کسی است که بتواند در حفظ اعتقاد، اخلاق فردی و اجتماعی، تعبد، مسئولیت‌پذیری و دیگر اوصاف شیعی، الگوی خوبی باشد (غفاری، ۱۳۸۴ش، ج ۲: ۱۳ و ۱۵۸).

چنین انسانی در هر لحظه به وظیفه الهی خود می‌اندیشد و به دنبال تشخیص وظیفه و انجام آن است و بدین ترتیب جامعه‌ای با خصوصیات دینی خاص به وجود می‌آید که می‌تواند در برابر ایدئولوژی‌های غیردینی فائق آید و فرهنگی غنی و ماندگار در تاریخ بیافریند.

در این قلمرو، فعالیت‌های فرهنگی شیعیان در دو زمینه بسیار حائز اهمیت است که عبارتند از: یک. تشکیل سازمان وکالت و دو. شرکت و برگزاری جلسات مناظره کلامی.

این دو فعالیت در طول تاریخ توانست، اولاً. به انسجام شیعیان در مناطق مختلف کمک شایانی کند و ثانیاً. در عمق بخشی به اعتقادات و مذهب شیعه مؤثر واقع شود. از همین جا می‌توان به ترکیب جمعیتی شیعیان آن روز نیز دسترسی پیدا کرد و مشاهده کرد که در قرن اول تا سوم اکثریت مردم در مناطق مختلف ایران و از جمله منطقه اهواز، دارای مذهب شیعه بودند.

۱-۱- سازمان وکالت در قلمرو منطقه اهواز

سازمان وکالت، همچون مجموعه‌هایی که به‌طور سازمان یافته و نظام‌مند در پی انجام هدفی مشترک هستند، توسط امامان معصوم (ع) در قرن دوم (دوره امامت امام صادق (ع)) تشکیل شد (جباری، ۱۳۸۲ش: ۲۷۹).

این سازمان دارای اهداف، ساختار و شیوه عملکرد بوده است. و با مکانیزمی طراحی شده وکلای مورد اطمینان و اعتماد، انتخاب و به شهرهایی که جمعیت بیشتری را از شیعیان در خود جای می‌داده، فرستاده می‌شدند. این وکلا با وجود اختلاف در مرتبه نزدیکی و دوری به ائمه اطهار (ع) دارای وظایف زیادی بودند که می‌توان از مهمترین آنها به نقش مالی، مرجعیت دینی، ارشادی، علمی و... اشاره کرد.^۴

باید افزود اگر سازمان وکالت را همچون هرمی فرض کنیم، ائمه اطهار (ع) در رأس این هرم قرار می‌گرفتند و سپس باب‌ها و وکلای ارشد و در پی آنان وکلای جزء

در نواحی دور و نزدیک مستقر می شدند و این چیش به صورت سازمان یافته توسط رأس هرم یعنی امام معصوم کنترل می شد.

در واقع بعد از ائمه اطهار(ع)، وکلای برجسته و ممتاز، معاونین ائمه در هدایت و رهبری فعالیت سازمان محسوب می شدند که از آنان به (وکلای ارشد) و یا (سروکیل) تعبیر می شد. سایر وکلا تحت اشراف آنان به کار مشغول می شدند (جباری، ۱۳۸۲ش: ۲۳).

طبق گزارشات تاریخی، در سازمان وکالت شیعیان بر مبنای نواحی گوناگون به چهار گروه تقسیم می شدند:

ناحیه نخست: بغداد، مدائن، سواد و کوفه بود

ناحیه دوم: بصره و اهواز

ناحیه سوم: قم و همدان

و ناحیه چهارم: حجاز، یمن و مصر را شامل می شد

هر یک از این نواحی به یک وکیل ارشد واگذار می شد و دیگر وکلای جزو، تحت نظر وی منصوب می شدند (جباری، ۱۳۸۲ش: ۱۰۳).

یکی از مناطقی که در تعیین وکیل ارشد همواره مورد توجه ذوات مقدسه قرار می گرفت منطقه اهواز بود. این منطقه جزو معدود مناطقی است که از زمان آغاز فعالیت سازمان وکالت برای آن وکیل تعیین و تا زمان پایان فعالیت سازمان به طور مستمر از وکیل خالی نشده است.

اولین وکیل این منطقه «عبدالله بن جندب» از اصحاب امام صادق(ع) (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۲۳۲)، امام کاظم(ع) (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۴۰) و امام رضا(ع) (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۵۹) می باشد او وکیل امام کاظم(ع) و امام رضا(ع) بوده است (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۴۷). عبدالله مجموعه وصایای امام صادق را نقل کرده است و از همین وصایا می توان حدس زد که ایشان از وکلای امام صادق(ع) بوده است (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۰۱) و با توجه به جانشینی علی ابن مهزیار اهوازی پس از درگذشت وی و سکونت علی ابن مهزیار در اهواز، منطقه وکالت عبدالله باید در همان جا باشد.

پس از درگذشت عبدالله بن جندب، علی بن مهزیار به عنوان وکیل ارشد امام رضا(ع) تعیین شد، حکم وکالت ایشان توسط شخص امام رضا(ع) صادر شد (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۸: ۸۴). وکالت ایشان در زمان امام جواد و امام هادی(ع) ادامه پیدا کرد به طوری که از تصریح برخی نامه‌های امام جواد(ع) به ایشان دیده می‌شود جایگاه وی نزد ائمه، جایگاه ویژه و منحصری بوده است.

پی از رحلت علی بن مهزیار، خاندان بنو مهزیار یکی پس از دیگری وکالت منطقه اهواز و حوالی آن را به عهده داشتند به طوری که ابراهیم ابن مهزیار، برادر علی بن مهزیار، پس از درگذشت برادرش، وکیل برجسته منطقه اهواز شد و تا عصر غیبت این مسئولیت را به عهده داشت تا در دوره سفارت سفیر دوم رحلت نمود (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۱: ۵۱۸).

پس از وی فرزندش محمد به دستور توصیه پدرش وجوه شرعی و اموال جمع شده نزد پدر را به بغداد جهت تحویل به سفیر امام آورد و در آنجا با سفیر دوم ناحیه مقدسه یعنی ابو جعفر عمری ملاقات کرد و در همانجا به جای پدرش به وکالت اهواز منصوب گشت (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ۴۸۷).

در اواخر عصر سفیر دوم، وکالت اهواز به عهده (محمد بن نفیس) بود وی پس از رحلت سفیر دوم از طرف سفیر سوم ابوالقاسم حسین روح نوبختی به سمت خود ابقا گردید (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۷۲).

بدین ترتیب همان‌طور که ذکر شد از دوران امامت امام صادق(ع) که وکلای امام، فعالیت خود را آغاز کردند تا دوران غیبت صغرا که پایان دوره وکلا و آغاز دوره سازمان روحانیت است، در اهواز پی‌درپی وکلا از جانب ائمه اطهار(ع) انتخاب و فرستاده می‌شدند و عمدتاً این وکلا جزو وکلای ارشد محسوب می‌شوند و با توجه به اینکه وکلای ارشد در شهرهایی گمارده می‌شدند که جمعیت بیشتری داشت می‌توان نتیجه گرفت در قرن دوم و سوم، جمعیت شیعیان اهواز نسبت به شهرهای اطراف، جمعیت قابل ملاحظه‌ای بوده است.

گذشته از آن متقابلاً حضور همین وکلا که اغلب از دانشمندان بزرگ اسلامی محسوب می‌شدند تأثیر بسزایی در منطقه اهواز گذاشته است.

۱-۲- مناظرات کلامی

متکلمان شیعی از روزگار افول و سپس سقوط دولت اموی، به خاطر دفاع از اصول مکتب تشیع مورد احترام و عنایت ائمه اطهار(ع) و به تبع، جامعه شیعه قرار گرفتند، زیرا موضوع امامت، بحث‌های داغ و تندی را در جامعه اسلامی به وجود آورده بود که بیشتر این مباحث در حوزه کار متکلمان واقع می‌شد و از همین رو ائمه اطهار(ع) آنان را در این راه تشویق می‌کردند.^۵

از طرفی متکلمان شیوه جدل را در مباحث خود به کار می‌گرفتند و به همین دلیل ما شاهد مناظرات کلامی زیادی در طول تاریخ هستیم که به صورت کتاب و جزوه در اختیار مردم قرار می‌گرفت و همین مناظرات که میان بزرگان فرق اسلامی برگزار می‌شد می‌تواند شاهدی بر حضور فکر آنان در آن منطقه که این مناظرات در آن صورت می‌گرفت، باشد. زیرا برخی از این جلسات با حضور وزرا و رجال سیاسی آن زمان بر پا می‌شد و طبعاً تأثیرات فرهنگی آن بر جامعه غیرقابل انکار است.

یکی از تأثیرات چنین جلساتی جریان گرویدن برخی از متکلمان از اعتزال به تشیع است.^۶ ما در اینجا به دو نمونه از چنین مناظراتی که در منطقه اهواز صورت گرفته و از اهمیت زیادی برخوردار است اشاره می‌کنیم.

۱-۱-۱- ابوسهل نوبختی:^۷ یکی از دانشمندان فلسفه‌گرای شیعی محسوب می‌شود مناظره‌ای با ابوعلی جبایی^۸ از متکلمان معتزلی دارد که این مناظره در اهواز برگزار شده و به صورت کتاب «مجالسه مع ابی علی الجبایی» درآمده است.

۱-۲- ابو عبدالله محمد بن مملک الاصفهانی: متکلم جلیل القدری که از معتزله به امامیه رجوع کرده است، با ابوعلی جبایی مناظره‌ای داشته است که این مجلس مناظره با حضور وزیر «ابومحمد قاسم بن محمد کرخی» و در مورد اشکال جبایی در موضوع امامت بوده

است. طبیعتاً با توجه به حضور ابوعلی در اهواز و اهوازی بودن ابو محمد کرخی این مناظره همچنین در اهواز منعقد شده است، ابن ندیم آنرا در الفهرست ذکر کرده است.^۹

۲- کارگزاران تغییر (نخبگان)

یکی از مهم‌ترین عوامل فرهنگی تغییر اجتماعی، انسان‌هایی هستند که با ایفای نقش خود تاریخ جوامع را می‌سازند. زیرا کنش‌ها و تصمیمات آنها بر سرنوشت جوامع تأثیر می‌گذارد. ایشان (نخبگان) به عنوان تأثیرگذارترین بخش جامعه، اگر خوب شناخته شوند آنگاه می‌توان ادعا کرد در کنار دیگر عوامل تاریخی، آن جامعه چه فراز و نشیب‌هایی را پشت سر گذاشته است.

در جامعه‌شناسی، برگزیدگان مورد مطالعه خاص قرار گرفته‌اند و برخی از جامعه‌شناسان پژوهش‌های مهمی را در این خصوص انجام داده‌اند.

پارتو (گی‌روشه، ۱۳۸۴ش: ۱۱۶) برگزیدگان را تمام کسانی می‌داند که دارای خصوصیتی استثنایی و منحصر به فرد و همچنین دارای استعداد و قابلیت‌هایی عالی در زمینه کار هر دو یا در برخی فعالیت‌ها می‌داند.

موسکا (گی‌روشه، ۱۳۸۴ش: ۱۲۱)، دیگر جامعه‌شناس ایتالیایی است که نخبگان را مورد مطالعه قرار داده است. او بر این باور است که نخبگان گروه برگزیده متشکل از اقلیتی از اشخاص هستند که قدرت را در جامعه‌ای به دست می‌گیرند. البته او خاطرنشان می‌کند که قدرت به معنای فقط «قدرت سیاسی» نیست بلکه این اقلیت می‌تواند یک طبقه اجتماعی واقعی باشد زیرا آنچه که به این اقلیت قدرت می‌بخشد. سازمان و ساخت آن و همچنین نفوذ آن در اقشار جامعه است.

گی‌روشه نیز در کتاب تغییرات اجتماعی ضمن بررسی نظریات جامعه‌شناسان مطرح در زمینه نخبگان، دست به تحریفی نسبتاً جامع می‌زند او می‌نویسد: «نخبگان اشخاص و گروه‌هایی هستند که در نتیجه قدرتی که به دست می‌آورند و تأثیری که به جای می‌گذارند با به‌وسیله تصمیماتی که اتخاذ می‌نمایند، و یا به‌وسیله ایده‌ها،

احساسات و هیجاناتی که به وجود می‌آورند، در کنش تاریخی جامعه‌ای مؤثر واقع می‌شوند» (گی‌روشه، ۱۳۸۴ش: ۱۲۱).

دقت در تعاریف هر یک از جامعه‌شناسان، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که نخبگان گروهی هستند با قابلیت‌هایی خاص که با نفوذ در افکار و احساسات و عقاید افراد در جامعه، می‌توانند در دگرگونی یا تغییر تدریجی آن جامعه مؤثر واقع شوند.

شیع نیز به‌عنوان مکتبی که هیچ‌گاه به‌طور مطلق، قدرت سیاسی پیدا نکرد، توانست به وسیله همین نخبگان که شامل محدثین، فقها، ادبا، متکلمین، فلاسفه، هستند، راه خود را به جلو هموار سازد و علیرغم موانع و مشکلاتی که از طرف حکام و قدرت‌های سیاسی به آن وارد شد، به‌عنوان عنصر زنده و پویا، تأثیر خود را بر جوامع گذاشته و هر جا زمینه‌ای مناسب برای باروری پیدا می‌کرد، در آنجا نفوذ و تغییر لازم را می‌داد. در این مقال دو شخصیت مهم اهواز که از محدثین برجسته قرن اول و دوم شناخته شده‌اند را مورد واکاوی شخصیتی قرار می‌دهیم تا در خلال مباحث از طرفی تأثیر آنها را بر جامعه اهواز قرن اول و دوم نشان داده و از طرف دیگر و به‌طور غیرمستقیم فضای مناسب شیعی که اجازه رشد چنین افرادی را داده است. را تبیین کرده باشیم.

۲-۱- علی بن مهزیار اهوازی

علی بن مهزیار اهوازی از راویان، محدثان و دانشمندان شیعی قرن دوم و سوم می‌باشد. ایشان از خانواده معروف مهزیار بودند. کنیه‌اش ابوالحسن و در حدود ۱۸۰ ق. در هندوکان (هندیجان امروزی) پا به عرصه وجود گذاشت (کشی، ۱۳۴۸ق: ۵۴۸).

بنا به نقل نجاشی وی در اصل اهل (دورق) شادگان امروزی بوده است که به آن (دورق الفرس) نیز اطلاق می‌شد (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۵۳-۲۵۴). پس از رحلت عبدالله بن جندب وکیل امام رضا(ع) در اهواز علی بن مهزیار توسط شخص امام رضا وکالت یافت پس از شهادت امام رضا(ع) از زمره نزدیکان امام جواد(ع) درآمد و در نظر آن حضرت جایگاه والایی پیدا کرد.^{۱۰}

پس از رحلت عبدالله بن جندب وکیل امام رضا(ع) در اهواز، علی بن مهزیار به‌عنوان وکیل ارشد امام در اهواز انتخاب شد حکم جانشینی ایشان توسط شخص امام رضا(ع) صادر شد (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۶: ۸۴). پس از شهادت امام رضا(ع) از زمره نزدیکان امام جواد(ع) درآمد و در نظر آن حضرت جایگاه والایی پیدا کرد (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۱۷۷؛ خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۲: ۱۹۹). همچنین از امام هادی(ع) درباره وی توقعاتی خطاب به شیعیان صادر شده است (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۱۷۷؛ خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۲: ۱۹۹-۲۰۰).

بر اساس کتاب «معجم رجال الحديث» علی بن مهزیار در اسناد بسیاری از روایات که بیش از ۴۳۷ مورد می‌باشد، واقع شده است. وی از مشایخی همچون ابوداود مسترق، ابراهیم بن عبدالله، ابراهیم بن محمد همدانی، احمد بن اسحاق ابهری، اسحاق بن ابراهیم، اسماعیل بن سهل، حسین بن سعید اهوازی، فضاله بن ایوب و... (جمعاً ۵۵ سند) نقل حدیث کرده است (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۲: ۲۱۷).

علی بن مهزیار اهوازی جزو دانشمندان کثیر التألیف محسوب می‌شود که در زمینه‌های مختلف فقهی، روایی و تاریخی مؤلفاتی فراهم آورده است که برخی از آنها به شرح ذیل می‌باشند.

کتاب وضو، کتاب صلاه، زکوه، طلاق، صوم، حج، حدود، دیات، مثالب^{۱۱}، دعا، تجمل و مروت^{۱۲}، رد بر غلات، موارث، فضائل امیر المؤمنین، ملاحم^{۱۳}، بشارات^{۱۴}، حروف القرآن، القائم^{۱۵}، انبیاء، نوادر^{۱۶}، وفات ابوذر، اسلام سلمان فارسی^{۱۷}، حدیث الاشعریه^{۱۸}، رسائل علی بن اسباط^{۱۹}، حدیث بدر^{۲۰}.

ایشان غیر از تألیف کتب به تربیت شاگردان نیز اهتمام می‌ورزید به‌طوری‌که کتب رجالی، ۲۲ نفر از بزرگان اصحاب ائمه اطهار(ع) را از شاگردان و راویان علی بن مهزیار برشمرده‌اند که عبارتند از: ابو عبدالله برقی، ابراهیم بن مهزیار (برادر علی بن مهزیار) ابراهیم بن هاشم قمی، احمد بن ابی الحسین، احمد بن محمد بن عیسی، حسن بن علی مهزیار (پسر ایشان)، حسن بن علی کوفی، حسین بن اسحاق، سهل بن زیاد، صالح بن ابی حماد، عباس بن معروف، عبدالله بن عامر، عبدالله بن محمد بن عیسی،

علی بن حسین عمروا، عیسی بن ایوب، محمد بن ایوب محمد بن الجبار، محمد بن عیسی بن عبید، هیشم بن ابی مروق نه‌دی (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۲: ۱۹۹). وی برای ارشاد (علی بن اسباط کوفی) که گرایش به (فطحیه) پیدا کرده بود، رساله کوچکی نگاشت که فایده‌ای نبخشید و علی بن اسباط در همان مذهب از دنیا رفت (کشی، ۱۳۴۸ق: ۵۶۲).

از نکات مهمی که در حیات علی بن مه‌زیار به چشم می‌خورد وجود نامه‌های زیادی است که از طرف ائمه اطهار(ع) به وی نگاشته شده است و این ارتباط مکاتبه‌ای به دلیل دوری منطقه وکالت وی (اهواز و نواحی آن) از محل استقرار ائمه (بغداد، سامراء و....) بوده است.

در یک مورد امام جواد(ع) در پاسخ نامه وی چنین مرقوم فرمود: «نامه‌ات رسید و مرادت را از آنچه نگاشته بودی فهمیدم و با این کار مرا غرق سرور نمودی و من از خداوندی که کفایت‌کننده امور بندگان و دافع بلاها و مکاید است می‌خواهم که کید هر حيله‌گری را از تو دفع نماید. ان شاءالله» (کشی، ۱۳۴۸ق: ۵۵۰).

در نامه‌ای دیگر که در مدینه به وی داده شد حضرت او را به رفتن اهواز امر کرده و طلب خیر دنیا و آخرت برایش می‌فرماید در نامه دیگر او را از خروج روز یکشنبه منع می‌کند و پیشنهاد خروج روز دوشنبه می‌فرماید! (کشی، ۱۳۴۸ق: ۵۵۱) که این نامه‌ها نشان از محبت فراوان امام جواد(ع) به وی و منزلت والای او در پیشگاه ائمه(ع) است. یکی دیگر از نامه‌های امام جواد(ع) به علی بن مه‌زیار نامه معروفی است که فقها در باب خمس بدان استناد می‌کنند. در این نامه امام جواد(ع) دستور پرداخت خمس در سال ۲۲۰ق را به شیعیان صادر می‌فرماید و دلیل آن را نیز تحلیل اموال و تزکیه نفوسشان بیان می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹: ۵۰۱؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲: ۶۰). در مورد وفات علی بن مه‌زیار در بین مورخین اتفاق نظر وجود ندارد اما همان گونه که گذشت در منابع اولیه رجال شیعی وی به عنوان صحابی و وکیل سه امام یعنی امام رضا و امام جواد و امام هادی(ع) معرفی شده است با توجه به این منابع و احادیث

دیگر، وفات ایشان باید در عصر امام هادی(ع) باشد مؤید این گفته روایتی است که کلینی از (ابراهیم بن مهزیار) برادر علی بن مهزیار نقل نموده است در این روایت آمده است ابراهیم برای امام عسگری(ع) می‌نویسد: «و موالی و شیعه شما علی بن مهزیار وصیت کرده که از قبل مزرعه‌ای که ربع در آمد آن در هر سال بایستی به شما پرداخت شود تا بیست دینار صرف انجام حج از جانب وی گردد از آنجا که راه بصره بسته شده لذا مخارج حج بیش از بیست دینار است و همین‌طور وصیت کرده که به جمعی از شیعیان نیز مخارج حج پرداخت شود» حضرت در پاسخ نوشتند به جای سه حج دو حج انجام شود (کافی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۳۱۰).

همان‌طور که از نقل بالا روشن است (ابراهیم بن مهزیار) به‌عنوان جانشین برادر و وصی وی در صدد انجام وصایایش برآمده و لذا برای کسب تکلیف با امام عسگری(ع) نامه‌نگاری کرده است.

بنابراین می‌توان گفت ملاقات معروفی که شیخ صدوق(ره) درباره علی بن مهزیار با حضرت حجت(ع) نقل کرده است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ۴۴۵ و ۴۵۲ و ۴۶۵-۴۷۰) مربوط به (علی بن ابراهیم بن مهزیار) برادر زاده علی بن مهزیار می‌باشد.^{۲۱}

۲-۲- حسین بن سعید اهوازی

حسین سعید بن حماد بن مهران از خانواده ذراری موالیان حضرت سجاد (علی بن الحسین(ع)) می‌باشد (طوسی، بی تا: ۱۴۹). کنیه او ابو محمد است و تولد وی در کوفه بوده است. وی به همراه برادرش، حسن بن سعید از کوفه راهی اهواز شدند و در نهایت به اهوازی مشهور گشتند.

او هم عصر امام رضا، امام جواد و امام هادی(ع) بوده و از آنها حدیث روایت کرده است. صاحبان کتب رجالی مسبب شناخت ۴ نفر از محدثین بزرگ شیعه یعنی علی بن مهزیار اهوازی، اسحاق بن ابراهیم حصینی، عبدالله بن محمد حصینی و اسحاق بن علی بن ریان، از امام رضا(ع) را همین محدث والا مقام یعنی حسین بن سعید اهوازی می‌دانند. که همین شناخت منجر به دیدار و تشریف این چهار تن از آن حضرت

گردید. این چهار تن گذشته از نقل حدیث جزو راویان و مبلغان مکتب تشیع در اقصی نقاط گشتند (کشی، ۱۳۴۸ق: ۵۵۱).

تقریباً تمام کتب رجال شیعه نام حسین ابن سعید را ثبت کرده‌اند و او را به (ثقه)، (عظیم الشان) و (جامع ترین افراد زمان خویش) لقب داده‌اند (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۵: ۲۴۵؛ طوسی، بی تا، ج ۱: ۵۸ و ۱۴۱۵ق: ۳۵۵؛ کشی، ۱۳۴۸ق: ۵۵۱؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۵۸).
برای او سی کتاب عنوان کرده‌اند که از این قرارند:

- ۱- کتاب الوضوء
- ۲- الصلاه
- ۳- الزکاه
- ۴- الصوم
- ۵- الحج
- ۶- النکاح و الطلاق
- ۷- الوصایا
- ۸- الفرائض
- ۹- التجارات
- ۱۰- الإجازات
- ۱۱- الشهادات
- ۱۲- الأیمان و النذور و الکفارات
- ۱۳- الحدود و دیات
- ۱۴- البشارات
- ۱۵- الزهد
- ۱۶- الاشربه
- ۱۷- المکاسب
- ۱۸- التقیه



۱۹- الخمس

۲۰- المروه و التجمال

۲۱- الصيد و الذبائح

۲۲- المناقب

۲۳- المثالب

۲۴- التفسیر

۲۵- المؤمن

۲۶- الملاحم

۲۷- المزار

۲۸- الدعاء

۲۹- الرد علی الغالیه

۳۰- العتق و التدبیر (محسن امین، بی‌تا، ج ۶: ۲۸)

همچنین وی در اسناد (۵۰۲۶) روایت واقع شده است که صاحب معجم رجال الحديث به تفصیل همه این اسنادات را ذکر و نقد و بررسی کرده است (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۵: ۲۴۵).

شیخ صدوق کتاب‌های حسین بن سعید اهوازی را ضمن کتاب‌ها و مؤلفاتی شمرده است که مورد اعتماد، مشهور و مرجع فقها می‌باشد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۳). حسن بن یزید سורانی می‌گوید: حسن در تمامی مراحل رجالی شریک برادرش حسین است مگر نسبت به زرع بن محمد حضرمی و فضاله بن ایوب که حسین توسط برادرش از آن دو نفر روایت نموده است. دایی ایشان، جعفر بن یحیی بن سعد احول، از رجال و راویان ابو جعفر الثانی (ع) می‌باشد (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۵۸). حسین بن سعید اهوازی همراه برادرش حسن پس از ورود به اهواز، شروع به فعالیت‌های علمی و فرهنگی کرده و غیر از نشر کتب و پاسخ به سؤالات، سبب تشرف

برخی از خاندان‌های معروف اهوازی به اسلام شدند، که می‌توان از خاندان مهزیار که ابتدا نصرانی و سپس به تشیع گرویدند نام برد (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۵۸-۶۰). این محدث عظیم‌القدر، از اعلام و محدثین قرن دوم و سوم هجری به‌شمار می‌آید که در اواخر عمر به شهر مقدس قم مهاجرت کرد و بر (حسین بن ابان) وارد شده و در همین شهر وفات یافته است (خویی، ۱۴۱۰ق: ۲۴۶).

نتیجه‌گیری

همان‌طور که بیان شد فعالیت در حوزه ارزش‌های فرهنگی از عوامل مهم ترویج و گسترش فرهنگ تشیع در مناطق و سرزمین‌های مختلف و از جمله در اهواز بوده است. این فعالیت‌ها که یکی در قالب تشکیل سازمان وکالت و برپائی جلسات مناظره و دیگری در تربیت نخبگان صورت می‌گرفته است، می‌تواند از لحاظ اجتماعی نیز مورد بررسی قرار گیرد و در خلال این نگاه به ترکیب جمعیتی شیعیان آن دوره دسترسی پیدا کرد. اهواز نیز از جمله سرزمین‌هایی بوده که در خود جمعیت زیادی از شیعیان را جای داده است که می‌توان این نکته را از وجود وکلای ارشد در این منطقه و برپائی جلسات مناظره با حضور وزرای عباسی و همچنین فعالیت‌های نخبگان شیعی اهوازی، به دست آورد. علاوه بر این نکته حائز اهمیت دیگر آن است که فضای قلمرو اهواز در نیمه دوم قرن اول و دوم، نه تنها از این فعالیت‌ها تأثیر پیدا کرد بلکه خود زمینه و فضای مناسبی شد برای تربیت نخبگان که در رأس آنها می‌توان به محدثین اشاره کرد و همه اینها بیانگر وجود حمایت مردمی از فکر شیعی در این منطقه جغرافیایی می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- نک. رندان کالینز، ترجمه محمد جواد حسنی، تیر ۱۳۸۷ مقاله، «نظریه تطور گرایی در جامعه شناسی»، مجله معرفت، شماره ۱۱۶.

۲- هر سکو تیس (Herskovits) - تعداد تعاریف از فرهنگ را تا حدود ۲۵۰ تعریف ذکر کرده است، برخی دیگر تعداد تعاریف را تا ۴۰۰ تعریف عنوان کردند دوتن از انسان شناسان آمریکایی به نام‌های کروبر

(Kroeber) و کلاکن کتابی حاوی ۱۶۴ تعریف از فرهنگ، تدوین کرده‌اند که به وسیله یکی از محققان ایرانی تحت عنوان «تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ» ترجمه و تألیف شده است. نک: آشوری، داریوش، ۱۳۵۷
همچنین نک: جعفری، سراسر اثر، ۱۳۷۹ که ۱۶۴ تعریف را از منابع مختلف استخراج کرده و سپس خود تعریف جامع و مستقلى را به آنها می‌افزاید.

۳- برای اطلاع بیشتر از معانی اصطلاحی فرهنگ به تک: جعفری، ۱۲۷ به بعد.

۴- برای اطلاع بیشتر نک: همان، فصل ۵، ۲۷۹ تا ۳۶۹.

۵- نک: کشی، ۱۳۴۸ش: ۳۱۹ و ۳۴۹ و ص ۴۸۸-۴۴۹؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۵۵ و ۵۶.

۶- برای اطلاع بیشتر نک: مدرسی، طباطبایی ۱۳۸۶: ۲۱۵ به نقل از بحار النوار ۵۰: ۱۸۷ و نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۲۶۹ و ۴۰۳.

۷- ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی، معروفترین شخص از خاندان نوبختی، منجم، ادیب، متکلم و از دانشمندان برجسته قرن دوم و سوم می‌باشد.

ابوسهل پس از درگذشت سفیر دوم در بغداد یکی از نامزدهای جانشینینی وی بود اما حسین بن روح نوبختی یکی دیگر از افراد همین خاندان توسط حضرت حجت(عج) به عنوان سفیر سوم انتخاب شد و پاسخ ابوسهل در مقابل کسانی که به این انتخاب اعتراض داشتند و او را شایسته سفیری امام زمان(عج) می‌دانستند، نشان از پیروی تام از فرمایشات ائمه اطهار(ع) دارد.

وی در رسوائی (حسین بن منصور حلاج) که ادعای باییت امام مهدی(عج) را کرده بود، مؤثر واقع شد به‌طوری‌که حلاج مجبور به ترک بغداد و مهاجرت به قم شد. این اقدام ابوسهل در میان مردم بغداد به صورت ضرب‌المثل درآمد. همچنین وی مطالب خوبی را در ازه نقش وکلا و وظایف آنها بیان کرده است.

علاوه بر اینها ایشان شاگردان زیادی را تربیت کرده است که می‌توان از میان آنها به علی بن اسماعیل پسر ابوسهل، ابوالحسین بن عبدالله بن وصیف، ابوالجیش المظفر بن محمد بن احمد البلخی، ابوالحسن محمد بن بشر السوسنجرودی، ابوعلی الحسین بن القاسم الکوکی الکاتب، ابوبکر محمد بن یحیی الصولی الکاتب اشاره کرد.

دیگر بزرگان کلام شیعه در قرن چهارم و پنجم مانند شیخ مفید، نجاشی، سید مرتضی و شیخ طوسی همگی با یک یا دو واسطه شاگردان وی بودند.

شیخ طوسی در الفهرست و نجاشی در رجال خویش بیش از ۳۰ اثر به نسبت داده‌اند. ابوسهل در زمان وزارت علی بن محمد بن فرات، از سوی وی به حکومت (قریه مبارک) منصوب شد.

(ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ۹۲؛ ذهبی ۱۳۹۳/۱۴۱۳، ج ۹: ۴۶۷؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۴۶ تا ۲۴۸؛ محسن امین، بی‌تا، ج ۳: ۳۸۴ تا ۳۸۶).

۸- ابوعلی محمد بن عبدالوهاب بصری جبایی در سال ۲۳۵ق در جبی یکی از شهرهای کورالاهواز (خوزستان کنونی) ولادت یافت. در ابتدا نزد ابو یوسف یعقوب بن عبدالله شحام بصری شاگردی کرد تا اینکه درجات علمی را یکی پس از دیگری طی کرده و به لقب (شیخ المعترله) ملقب گردید. وی همراه پسرش، ابوهاشم در واقع آخرین دوره‌های اهمیت معتزله را نشان می‌دهند.

از شاگردان وی می‌توان به ابوالحسن اشعری اشاره کرد که جدال وی با استادش ابوعلی مشهور بوده و منجر به جدائی وی و تأسیس مکتب اشعری شده است.

عقاید او بسیار گسترده است و در بسیاری از کتب اسلامی، به ویژه اشعریه و شیعه، نیز بدان‌ها اشارت رفته است. در اینجا می‌توان مهم‌ترین آنها را به شرح ذیل دانست:

(الف) اعتقاد به جوهر یا جزء لا یتجزا (با تفسیری خاص از این نظر)

(ب) اعراض

(ج) فنا (او معتقد است اگر خدا بخواهد همه چیز را فانی کند، هیچ مانعی نمی‌تواند جلوی این اقدام را بگیرد) درباره معدوم، استحاله بحث اجسام، صفات ازلی و این قبیل نظریات کلامی، عقاید ویژه ای داشته است که بحث در باره آنها مجال دیگری می‌طلبد.

پیروان و طرفداران نظریات جبایی فرقه ای موسوم به جبائیه را تشکیل می‌دهند. این کثیر در بدایه و نهائیه تفسیر غریبی را برای وی ذکر می‌کند که بسیار طولانی و دارای آراء غیر معمول بوده است. ابو الحسن اشعری در رد این کتاب مطالبی بیان کرده است.

سرانجام ابو علی در سال ۳۰۳ق وفات یافت.

(ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۱۱، ص ۱۲۵، مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، التنبيه و الإشراف، ترجمه م ابوالقاسم پاینده، تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ دوم، ۱۳۶۵ش، ص ۳۲۸، زهدی، جارالله حسن، المعتزله، قاهره، ۱۳۶۶ق، ۱۹۴۷ م، ص ۱۴۹، حلبی، علی اصغر، تاریخ علم کلام در ایران و جهان اسلام، تهران: انتشارات اساطیر، چ دوم ۱۳۶۷ش، ص ۲۴۱ و ۲۴۲).

۹- نک: آقا بزرگ تهرانی، بی تا، ج ۲ ص ۳۳۵

۱۰- نک: خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۲: ۱۹۹ نجاشی، ۱۴۰۷ق ص ۲۵۲. در نامه امام جواد(ع) خطاب به وی چنین آمده

است: بسم الله الرحمن الرحيم ای علی! خدامند پاداشت نیکو دهد و در بهشت خود ساکنت نماید و از خاری دنیا و آخرت دورت بدارد و با ما محشورت فرماید؛ همانا تو را از جهت اطاعت و خدمت و انجام وظایف و نصیحت و رعایت حرمت‌ها آزمودم؛ اگر بگویم همچو تویی را ندیدم سخن به درستی رانده ام! خدای درجات برتر بهشت را پاداشت دهد. مقام و جایگاه و خدمات تو در سرما و گرما و شب و روز بر

من مخفی نیست. از خدا می‌خواهم که در روز حشر تو را آنچنان مشمول رحمت خویش فرماید که دیگران بدان غبطه خورند. کشی، ۱۳۸۴ق: ۵۵۱

۱۱- اثری در ذم صفات ناپسند خلفا.

۱۲- جمع آوری مطالبی پیرامون چگونگی پوشش، وضع ظاهری، زدن عطر و از این قبیل مباحث.

۱۳- نوشته‌ای با ارزش در اخبار آینده و علائم ظهور حضرت مهدی (عج).

۱۴- حوادث بعد از ظهور حضرت مهدی (عج).

۱۵- پژوهشی پیرامون فلسفه وجود مبارک حضرت مهدی(عج) و آثار قیام آن امام.

- ۱۶- کتاب‌هایی که به نام «نوادر» معروف و موسم می‌شدند کتاب‌هایی بودند که احادیث غیر مشهور در کتب معتبر نقل شده را به صورت مصنف و مبوب در می‌آوردند. جهت اطلاع بیشتر نک: یا کتچی، احمد، سلسله مباحث تاریخ حدیث ص ۲۲۸.
- ۱۷- هجرت سلمان از ایران، چگونگی آشنایی با پیامبر(ص)، دیدن آثار و معجزات نبوت و ایمان به پیامبر(ص) و...
- ۱۸- کتابی است در فرقه شناسی، که گروه اشعری و عقاید آنها و همچنین چگونگی شکل گیری آنها را منعکس می‌کند.
- ۱۹- نامه‌هایی که بین علی بن مهزیار و علی بن اسباط رد و بدل شد و منجر به هدایت علی بن اسباط شد.
- ۲۰- پژوهشی درباره جنگ بدر و عواقب و آثار نیک آن.
- ۲۱- برای اطلاع بیشتر از کم و کیف این ملاقات نک: جباری، بهار ۱۳۸۲ش: ۵۰۹ تا ۵۱۳.

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- آقا بزرگ تهرانی (بی‌تا)، الذریعه الى تصانیف الشیعه، قم: اسماعیلیان.
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- ۳- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ۴- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷)، بدایه و نهایه، بیروت: دارالفکر.
- ۵- امین، محمد (بی‌تا)، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- ۶- حلبی، علی اصغر (۱۳۶۷) تاریخ علم کلام در ایران و جهان اسلام، تهران: اساطیر.
- ۷- جباری، محمد رضا (۱۳۸۲)، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه(ع)، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- ۸- جعفری، محمد تقی (۱۳۷۹)، فرهنگ پیشرو، فرهنگ پیرو، بی‌جا: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- ۹- ابن شعبه، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ۱۰- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۰ق)، وسائل الشیعه = تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: موسسه آل‌البیت.
- ۱۱- خویی، ابوالقاسم (بی‌تا)، معجم رجال‌الحديث، قم: مرکز نشر آثار شیعه.

- ۱۲- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۳ق)، تاریخ الاسلام؛ تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربیه.
- ۱۳- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق)، الاستبصار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۴- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵ش)، التهذیب، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۵- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ق)، رجال، بی جا: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- ۱۶- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، غیبت - کتاب الغیبه، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
- ۱۷- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، فهرست، نجف: المكتبه المرتضویه.
- ۱۸- غفاری، حسین (۱۳۸۴ش)، فرهنگ و اوصاف شیعه، قم: انتشارات اسلامی.
- ۱۹- کشی، ابو عمر و محمد بن عمر بن عبد العزیز، (۱۳۴۸ش)، رجال = معرفه الناقلین، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
- ۲۰- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۱- گی روشه (۱۳۶۸ش)، تغییرات اجتماعی؛ ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
- ۲۲- مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۸۶)، مکتب در فرایند تکامل؛ ترجمه هاشم ایزد پناه، (ویراست ۳)، کویر.
- ۲۳- مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین بن علی (م ۳۴۶)، (۱۳۶۵ش)، التنبیه و الإشراف، ترجمه م ابوالقاسم پاینده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۲.
- ۲۴- مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، تصحیح الاعتقاد، قم: کنگره شیخ مفید.
- ۲۵- نجاشی، ابوالحسن، احمد بن علی بن احمد (م ۴۵۰)، (۱۴۰۷ق)، رجال - فهرست اسماء مصنفی الشیعه، قم: انتشارات جامعه مدرسین.